

اضطباع: گذراندن ردای احرام از زیر کتف راست و افکندن آن بر کتف چپ هنگام طواف

واژه عربی اضطباع، مصدر از ریشه (ض - ب - ع) و برگرفته از کلمه ضَبَّع به معنای بازو و زیر بغل^۱ است. مقصود از اضطباع در حدیث‌ها^۲ و منابع فقهی^۳ آن است که مُحْرَم ردای احرام را از زیر کتف راست خود بگذراند و دو سوی آن را بر دوش چپ خود بیندازد؛ به گونه‌ای که شانه راست او برهنه و شانه چپ او پوشیده باشد. برخی^۴ اضطباع را چنین تعریف کرده‌اند: مُحْرَم وسط ردای احرام را زیر بغل راست خود قرار دهد و با دو طرف آن، دو سوی کتف چپ را بپوشاند. وجه این نام‌گذاری آن است که بازوی مُحْرَم (ضَبَّع) هنگام اضطباع آشکار می‌شود.^۵ واژه «تَأْبَطُ» نیز به این معنا به کار می‌رود.^۶ گاهی

۱. العین، ج ۱۱ ص ۲۸۴؛ الصحاح، ج ۳، ص ۱۲۴۷-۱۲۴۸؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۳۸۷، «ضبع».
۲. غریب الحدیث، ابن قتیبه، ج ۱، ص ۲۳؛ التمهید، ج ۱۲، ص ۱۶۹؛ تحفة الاحوذی، ج ۳، ص ۵۰۶.
۳. الام، ج ۲، ص ۱۹۰؛ المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۶؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۴۷.
۴. المغنی، ج ۳، ص ۳۸۵؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۳۷؛ الدرر، ج ۱، ص ۴۰۱.
۵. غریب الحدیث، ابن قتیبه، ج ۱، ص ۲۳؛ الصحاح، ج ۳، ص ۱۲۴۸؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۴۷.
۶. غریب الحدیث، ابن سلام، ج ۴، ص ۱۹۲؛ الصحاح، ج ۳، ص ۱۱۱۴؛ لسان العرب، ج ۷، ص ۲۵۴، «بط».

هم آن را «تَوْشَح» می‌گویند.^۷ موضوع اضطباع در منابع جامع فقهی در بخش سنن طواف از مبحث حج به گفت‌وگو نهاده شده و درباره آن آثاری مستقل نگاشته‌اند.^۸

◀ حکم اضطباع در مذاهب اهل سنت

سنت: اضطباع در مذاهب حنفی، حنبلی و شافعی از مستحبات طواف حج و عمره به شمار می‌رود؛ ولی مالکیان آن را از مستحبات طواف نمی‌دانند.^۹ مهم‌ترین دلیل استحباب از دیدگاه فقیهان، سنت پیامبر گرامی ﷺ است. بر پایه روایاتی چند^{۱۰}، ایشان در حال اضطباع طواف کرده است. از ابن عباس گزارش شده که پیامبر ﷺ و اصحاب او پس از احرام بستن برای عمره از جعرانه، طواف را در حالت اضطباع به جا آورد.^{۱۱} نیز گزارش شده که عمر بن خطاب به اجرای این سیره نبوی پایبند بوده است.^{۱۲} در این حدیث‌ها، همراه اضطباع از سنن «رَمَل» نیز یاد شده که عبارت است از

۷. المجموع، ج ۸، ص ۱۹؛ لسان العرب، ج ۲، ص ۶۳۳ «وشح»؛ قس: التمهید، ج ۲۲، ص ۲۱۰؛ عون المعبود، ج ۲، ص ۲۲۵.
۸. نک: ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۹۰.
۹. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰؛ الوسیط، ج ۲، ص ۶۴۸-۶۴۹؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۱۱.
۱۰. المغنی، ج ۳، ص ۳۸۶؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۱.
۱۱. نک: سنن الدارمی، ج ۲، ص ۴۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۸۴؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۷۹.
۱۲. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۲۰؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۷۹.
۱۳. الام، ج ۲، ص ۱۹۰؛ المستدرک، ج ۱، ص ۴۵۴.

راه رفتن با شتاب، همراه نزدیک بودن گام‌ها به یکدیگر^۱ یا حرکت دادن کتف‌ها هنگام راه رفتن با حالت مبارزان در عرصه نبرد.^۲ از روایات برمی‌آید که حکمت تشریح رمل و اضطباع هنگام مناسک حج، قدرت‌نمایی مسلمانان در برابر مشرکان قریش و نشان دادن چابکی و دلیری بوده است.^۳ از این رو، به باور فقیهان بسیاری از مذاهب، میان استحباب اضطباع و رمل از نظر شرایط و محدوده استحباب، ملازمه برقرار است و در هر یک از کارهای حج که رمل مستحب باشد، اضطباع نیز استحباب دارد.^۴

پشتوانه اصلی شافعیان^۵، حنبلیان^۶ و حنفیان^۷ برای استحباب اضطباع، سیره نبوی و سخن صحابه است. به پشتوانه این ادله، استدلال مالک را که برای اعتقاد به استحباب دلیلی وجود ندارد، مردود شمرده‌اند.^۸ دلیل دیگر مخالفان استحباب اضطباع آن است که حکم یاد شده و نیز استحباب رمل، با توجه به

حکمت تشریح آن، به دوران پیامبر ﷺ اختصاص داشته و سبب آن یعنی ضرورت اظهار قدرت در برابر مشرکان، از میان رفته است.^۹ به این استدلال پاسخ‌های گوناگون داده‌اند: اولاً سنت بودن رمل و اضطباع همچنان باقی است؛ زیرا ثابت شده که پیامبر ﷺ پس از فتح مکه از جمله در حجة الوداع که از شوکت مشرکان اثری نمانده بود، بر این سیره پایداری داشته است. ثانیاً از روایت عمر بن خطاب نیز دوام این سیره استنباط می‌شود. ثالثاً باور داشتن مالک به استحباب رمل در طواف نیز با استدلال یاد شده ناسازگار است.^{۱۰}

درباره گستره سنت اضطباع و این که آیا افزون بر طواف، شامل نماز طواف و سعی نیز می‌شود یا نه، فقیهان اهل سنت اختلاف دیدگاه دارند. حنبلیان و حنفیان آن را ویژه طواف دانسته‌اند.^{۱۱} در فقه شافعی، در این زمینه دو دیدگاه یافت می‌شود: برخی بدین استناد که اضطباع در نماز مکروه است، آن را شامل نماز طواف نشمده‌اند و شماری دیگر شامل آن نیز دانسته‌اند.^{۱۲} همچنین به باور مشهور در فقه شافعی، هنگام سعی میان صفا و مروه نیز

۱. المعنی، ج ۳، ص ۳۸۶؛ صحیح مسلم، نووی، ج ۹، ص ۷.

۲. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰؛ عون المعبود، ج ۵، ص ۲۳۶.

۳. فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۲۵؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۴۷.

۴. نک: بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۴۷؛ المجموع، ج ۸، ص ۴۳؛ شرح العمده، ج ۳، ص ۴۲۳.

۵. الام، ج ۲، ص ۱۹۰؛ المجموع، ج ۸، ص ۱۹؛ اعانة الطالبین، ج ۲، ص ۳۴۰.

۶. المعنی، ج ۳، ص ۳۸۶؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۱۱.

۷. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۴۷.

۸. المعنی، ج ۳، ص ۳۸۶.

۹. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۲۱؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۱.

۱۰. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۱.

۱۱. المعنی، ج ۳، ص ۳۸۶؛ حاشیة رد المحتار، ج ۲، ص ۵۴۵.

۱۲. فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۳۸؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۰.

در رمل و اضطباع، کاری زمان‌دار و بر اساس مصلحتی موقت بوده و حتی در سیره خود ایشان نیز پایدار نمانده است. از سیره امامان شیعه علیهم‌السلام نیز موسمی بودن این احکام استنباط می‌شود.^۸ شماری از فقیهان متأخر امامی به صراحت برهنگی شانه را با پوشیدن ردا که بر شخص محرم واجب است، ناسازگار دانسته‌اند.^۹

◀ احکام جزئی اضطباع

۱. استحباب اضطباع ویژه مردان است و برای زنان روا نیست؛ زیرا آشکار ساختن اندام‌های بدن با حکم پوشش بدن زنان که در شریعت اسلامی بر آن تأکید شده، ناسازگار است.^{۱۰} درباره مشروعیت اضطباع برای کودکان، فقیهان شافعی دیدگاه‌های گوناگون دارند. برخی آن را باور نموده و شماری نپذیرفته‌اند. بعضی از گروه اول گفته‌اند: کودک می‌تواند خود اضطباع کند و در غیر این صورت، ولی او چنین می‌کند.^{۱۱} همچنین به باور فقیهان برخی مذاهب، اضطباع برای مردم مکه مستحب نیست و استحباب آن ویژه غیر مکیان است.^{۱۲}

اضطباع مستحب است؛ زیرا به باور آنان، سعی گونه‌ای از طواف به شمار می‌رود.^۱ حنبلیان به پشتوانه سنت نبوی، تعمیم حکم استحباب را مردود شمرده‌اند.^۲

◀ دیدگاه فقیهان امامی: اندکی از

فقیهان امامی از جمله شیخ طوسی^۳ و در پی او فقیهان دیگر^۴ استحباب اضطباع در طواف را باور دارند و حتی شمول این حکم درباره سعی^۵ را گزارش کرده‌اند. با این همه، از آن‌جا که این سخنان به ادله‌ای روشن و استوار مستند نیست، در منابع متأخرتر به آن‌ها پرداخته نشده و به تدریج این باور را کنار نهاده‌اند. حتی در استحباب رمل نیز در این منابع درباره ادله‌ای مناقشه شده است؛ از جمله ضعف سند ادله مانند مرسل بودن پاره‌ای از روایات، روایت نشدن آن‌ها از طریق راویان شیعه و دلالت نداشتن برخی حدیث‌های نقل شده بر مدعا.^۶ مثلاً بر پایه برخی روایات^۷، اقدام پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

۱. المعنی، ج ۳، ص ۲۸۶.

۲. المعنی، ج ۳، ص ۳۸۶؛ شرح العمده، ج ۳، ص ۴۲۳.

۳. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۶.

۴. الجامع للشرائع، ص ۲۰۱؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۸۴-۵۸۵؛

الدروس، ج ۱، ص ۴۰۱.

۵. الدروس، ج ۱، ص ۴۰۲.

۶. نک: مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۶۱-۱۶۲؛ ریاض المسائل، ج ۷،

ص ۳۹-۴۰؛ مستندالشیعه، ج ۱۲، ص ۷۹.

۷. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۱۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۵۲-

۳۵۳.

۸. نک: وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۵۱-۳۵۳.

۹. کتاب الحج، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۲.

۱۰. الام، ج ۲، ص ۹۲؛ المجموع، ج ۸، ص ۴۰؛ المبدع، ج ۳،

ص ۲۱۸.

۱۱. فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۳۹؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۰-۲۱.

۱۲. المبدع، ج ۳، ص ۱۹۸؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۵۵۷.

۲. استحباب اضطباع تنها شامل طواف‌هایی است که پیش از سعی انجام می‌شود.^۱ بر این اساس، تنها طواف عمره و نیز یکی از دو طواف قدوم و افاضه (زیارت) در حج مشمول این حکم هستند و هیچ‌گاه طواف وداع مشمول آن نمی‌شود. در حالت عادی، اضطباع در طواف قدوم صورت می‌گیرد. اما اگر احرام‌گزار در طواف قدوم از اضطباع خودداری کند یا آن را انجام دهد ولی به عللی سعی به تأخیر بیفتد، طواف بعد یعنی طواف افاضه را می‌تواند به اضطباع به جا آورد.^۲ در اضطباع، بر خلاف رمل که تنها در سه شوط اول مستحب است، در همه شوط‌های طواف مراعات این حالت شایسته است.^۳

با توجه به واجب نبودن اضطباع، ترک آن از روی فراموشی یا حتی به عمد، هیچ‌گونه کفاره یا فدیهای در پی ندارد و اعاده یا قضای آن نیز مستحب نیست.^۴ البته اگر کسی در بخشی از طواف، اضطباع را رعایت نکند، مراعات آن در ادامه طواف مستحب است.^۵ همچنین اگر کسی طواف را با اضطباع به جا

۱. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۴۷؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۰.

۲. المبدع، ج ۳، ص ۱۹۹؛ المجموع، ج ۸، ص ۱۹-۲۰، ۴۰.

۳. فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۳۸؛ حاشیه رد المحتار، ج ۲، ص ۵۴۵؛ تحفة الاحوذی، ج ۳، ص ۵۰۶.

۴. الام، ج ۲، ص ۱۹۰؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۸۹-۳۹۰.

۵. الام، ج ۲، ص ۱۹۰؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۱.

نیاورد، بر پایه مذهب شافعی، رعایت کردن آن هنگام سعی استحباب دارد.^۶

◀ منابع

اعانة الطالبین: السید البکری الدمیاطی (م. ۱۳۱۰ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۸ق؛ الام: الشافعی (م. ۲۰۴ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ق؛ ایضاح المکنون: اسماعیل پاشا البغدادی (م. ۱۳۳۹ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ بدائع الصنائع: علاء الدین الکاسانی (م. ۵۸۷ق.)، پاکستان، المكتبة الحبیبیه، ۱۴۰۹ق؛ تحریر الاحکام الشرعیه: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش بهادری، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)، ۱۴۲۰ق؛ تحفة الاحوذی: المبارک فوری (م. ۱۳۵۳ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق؛ التمهید: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش مصطفی و محمد عبدالکبیر، وزارة الاوقاف، ۱۳۸۷ق؛ الجامع للشرائع: یحیی بن سعید الحلی (م. ۹۰ق.)، به کوشش گروهی از فضلا، قم، سید الشهداء، ۱۴۰۵ق؛ حاشیه رد المحتار: ابن عابدین (م. ۱۲۵۲ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ السدروس الشرعیه: الشهید الاول (م. ۷۸۶ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق؛ ریاض المسائل: سید علی الطباطبائی (م. ۱۲۳۱ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق؛ سنن ابن ماجه: ابن ماجه (م. ۲۷۵ق.)، به کوشش محمد فؤاد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۵ق؛ سنن ابی داود: السجستانی (م. ۲۷۵ق.)، به کوشش سعید محمد اللحام، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ق؛ سنن الدارمی: الدارمی (م. ۲۵۵ق.)، احیاء السنة النبویه: السنن الکبری: البیهقی (م. ۴۵۸ق.)،

۶. المجموع، ج ۸، ص ۲۱.

کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛
 مستند الشیعه: احمد النراقی (م. ۱۲۴۵ق.)، قم،
 آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۵ق؛ مسند احمد: احمد بن
 حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ معجم
 مقاییس اللغة: ابن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به کوشش
 عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق؛ المغنی:
 عبدالله بن قدامه (م. ۲۰ق.)، بیروت، دار الکتب
 العلمیه؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی
 (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۲ق؛
 الوسیط فی المذهب: الغزالی (م. ۵۰۵ق.)، به
 کوشش محمد محمد، قاهره، ۱۴۱۷ق.

محمد قدیریان



اضطجاج ← تحصیب

اِضْمٌ: وادی بزرگی در حجاز میان مدینه

تا دریای سرخ

اِضْمٌ نام وادی گسترده‌ای در حجاز است
 که مدینه منوره نیز در آن قرار دارد.^۱ با توجه
 به وسعت این وادی، بخش پیوسته و نزدیک به
 مدینه را که میان آن شهر و اُحد قرار دارد،
 «قنات»؛ بخش بالای آن را «شَنَطَات»؛ و از
 آن جا تا پایین تر را که به دریای سرخ می‌رسد،
 «اِضْمٌ» می‌نامیدند.^۲ امروزه به وادی اِضْمٌ،

بیروت، دار الفکر؛ شرح العمده: ابن تیمیه
 (م. ۷۲۸ق.)، به کوشش العطیشان، ریاض، مکتبه
 العبیکان، ۱۴۱۳ق؛ المسحاج: الجوهری
 (م. ۳۹۳ق.)، به کوشش العطار، بیروت، دار العلم
 للملایین، ۱۴۰۷ق؛ صحیح مسلم بشرح النووی:
 النووی (م. ۶۷۶ق.)، بیروت، دار الکتب العربی،
 ۱۴۰۷ق؛ علل الشرایع: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به
 کوشش بحر العلوم، نجف، المکتبه الحیدریه،
 ۱۳۸۵ق؛ عون المعبود: العظیم آبادی
 (م. ۱۳۲۹ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه،
 ۱۴۱۵ق؛ العین: خلیل (م. ۱۷۵ق.)، به کوشش
 المخزومی و السامرائی، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛
 غریب الحدیث: ابن سلام الهروی (م. ۲۲۴ق.)، به
 کوشش محمد عبدالمعید خان، بیروت، دار
 الکتب العربی، ۱۳۹۶ق؛ غریب الحدیث: ابن
 قتیبه (م. ۲۷۶ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه،
 ۱۴۰۸ق؛ فتح العزیز: عبدالکریم بن محمد
 الرافعی (م. ۶۲۳ق.)، دار الفکر؛ کتاب الحج: تقریر
 بحث الکلیپاگانی، مقدس، چاپ سنگی؛ الکافی
 فی فقه الامام احمد: عبدالله بن قدامه
 (م. ۲۰ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛
 کشف القناع: منصور البهوتی (م. ۱۰۵۱ق.)، به
 کوشش محمد حسن، بیروت، دار الکتب العلمیه،
 ۱۴۱۸ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)،
 قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ المبدع فی شرح
 المقنع: ابراهیم بن محمد مفلح (م. ۸۸۴ق.)،
 بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ المبسوط
 فی فقه الامامیه: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش
 بهبودی، تهران، المکتبه المرتضویه؛ المبسوط:
 السرخسی (م. ۴۸۳ق.)، بیروت، دار المعرفه،
 ۱۴۰۶ق؛ المجموع شرح المذهب: النووی
 (م. ۶۷۶ق.)، دار الفکر؛ مدارک الاحکام: سید
 محمد بن علی الموسوی العاملی (م. ۱۰۰۹ق.)،
 قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۰ق؛ المستدرک علی
 الصحیحین: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ق.)، به

۱. معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۱۴؛ معجم متن اللغة، ج ۱، ص ۱۸۳؛
 منتهی الارب، ج ۱، ص ۲۹؛ لغت‌نامه، ج ۳، ص ۲۸۷۳، «اِضْمٌ».
 ۲. معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۱۴؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳؛ معجم
 متن اللغة، ج ۱، ص ۱۸۳.